

جایگاه منافع ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

رضا قاسمی،¹ احمد آذین،² مسعود جعفری نژاد³

چکیده

امروزه در میان جوامع و دولت‌ها از مقوله پیشرفت، با عنوان مسئله پیشرفت یاد می‌شود. به عبارت دیگر، ضرورت‌های پیشرفت، شرایط تحقق پیشرفت، راه‌های رسیدن به پیشرفت و در نهایت کسب حداکثری منافع ملی از طریق الگوهای پیشرفت را می‌توان جزء اصلی‌ترین مسائل روز کشورها دانست. پیشرفت و عصاره آن یعنی منافع ملی حداکثری از جمله مسائلی است که ذهن اندیشمندان و سیاست‌مداران را به خود معطوف داشته و هرکس از دریچه و زاویه‌ای به این مهم پرداخته است. هدف اصلی تحقیق حاضر این است که با بررسی جامع و کامل جایگاه منافع ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان پیش‌زمینه حرکت برای وصول به پیشرفت مطلوب، اهمیت و ضرورت توجه به منافع ملی را در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی مورد ملاحظه قرار دهد و در نهایت بتواند الزامها و ظرفیت‌های الگوی بومی پیشرفت را برای کسب حداکثری منافع ملی در کشور عملیاتی کند و امکان و انگیزه حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی را با نگاه روشن‌تر و دقیق‌تری فراهم سازد. روش انجام این پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی (زمینه‌یابی) است. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته با 22 نفر از صاحب‌نظران در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی، ایرانی، پیشرفت، منافع ملی.

1. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا / r.b626891@gmail.com

2. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان / dr.azinahmad@gmail.com

3. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا / pegah420ma@yahoo.com

1. مقدمه و بیان مسئله

در ایران آگاهی از وضعیت عقب‌مانده کشور پس از مواجهه و رویارویی با غرب پیشرفته‌تر و صنعتی‌تر به وجود آمد؛ از این رو اندیشه پیشرفت در سرکسانی که هدفشان ایجاد ایران مدرن و پیشرفته بود، شکل گرفت. اوج این ترقی‌خواهی را می‌توان در انقلاب مشروطه دید که منجر به ایجاد نخستین مجلس قانون‌گذاری در آسیا شد. از آن پس تفکر توسعه به صورت جدی دنبال شد و در سال 1372 شمسی با تدوین نخستین برنامه توسعه عمرانی و اقتصادی توسط دولت وقت، شکل تازه‌ای به خود گرفت که نتیجه آن شش برنامه توسعه پیش از انقلاب اسلامی و پنج برنامه توسعه پس از انقلاب اسلامی بوده است.

انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن، در جهان قطب‌های متضاد و برآمده از اندیشه‌های مدرنیستی، طرحی بدیل و ایده‌های اصیلی را به جامعه بشری ارائه کرده است؛ هرچند هنوز فرایندی ناتمام و درحال تکامل است. بی‌تردید، تمام آنان که دل در گرو بالندگی این طرح بدیع و تحقق آمل مردم ایران و آرمان‌های انقلاب دارند، هر لحظه به سرنوشت این انقلاب و نظام برآمده از آن، وضع جاری و آینده آن می‌اندیشند.

امروزه از سوی اندیشمندان و متفکران، الگوهای گوناگونی برای توسعه جوامع بشری تدوین شده است که با مبانی و اصول پذیرفته‌شده، تعریف از سعادت و تصور از جامعه آرمانی و مطلوب خود متناسب‌اند. برنامه توسعه سازمان ملل متحد¹ نیز با اثرپذیری از نگرش‌های دانشمندی مانند آمارتیا تومارسن² با طرح توسعه پایدار، شاخص‌هایی برای آن تعیین کرده است و از سال 1990 هر ساله وضعیت کشورها را در این باره ارزیابی می‌کند.

در جمهوری اسلامی، مقام معظم رهبری با توجه به ابهام‌هایی که در کاربرد عبارت توسعه وجود داشت، اصطلاح پیشرفت را مناسب دانستند (رهبری، 1389: سخنرانی). از سویی به دلیل اسلامی‌بودن انقلاب و جمهوری اسلامی، و از سوی دیگر لزوم متناسب‌بودن الگو با ضرورت‌های کشور ایران، عنوان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را عنوانی مناسب دانستند (همان). این الگو

1. United Nations Development Programme

2. Amartya Kumar Sen

دارای ویژگی‌ها و ابعاد زیادی است و یکی از ابعاد مهم و مدنظر پژوهش حاضر، منافع ملی است. بررسی آثار و دیدگاه اندیشمندانی که در جمهوری اسلامی درباره منافع ملی نظریه‌پردازی کرده‌اند، نشان می‌دهد با توجه به شرایط بین‌المللی و ضرورت‌های انقلاب اسلامی، در دیدگاه اسلام و نظام جمهوری اسلامی نسبت به ماهیت منافع ملی و مؤلفه‌های آن توافق وجود ندارد. برخی با اتکا به رویکرد واقع‌گرایانه¹ منافع ملی را براساس اوضاع و احوال روز تحلیل می‌کنند که در نتیجه از یک سو آرمان‌های انقلاب اسلامی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند و از سوی دیگر بین منافع ملی در قرائت آنان و اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی تعارض ایجاد می‌شود. برخی نیز با دیدگاهی انتزاعی و تنها آرمان‌گرایانه² منافع ملی را کاملاً دور از دسترس تبیین می‌کنند.

این امر منجر می‌شود عرضه تصویری صحیح از منافع ملی ناممکن شود و سبب‌ساز تنش‌های غیرضروری در روابط بین‌المللی و اتخاذ روش‌های نامناسب می‌شود. از آنجاکه تأمین منافع ملی هدف سیاست خارجی و تعیین‌کننده نوع رابطه با جهان به‌ویژه غرب و نهضت‌های آزادی‌بخش است، به‌ناچار باید ماهیت آن در الگوی اسلامی ایرانی بیان شود. نکته اساسی این است که به جای اینکه این اقدام براساس نگرش‌ها و قرائت‌های خاص انجام شود، باید براساس مبانی و اهداف نظام جمهوری اسلامی در قانون اساسی و به تناسب استفاده از قرآن، روایات و نگرش‌های مقام معظم رهبری (مدظله) تعیین شوند. اهمیت و جایگاه پیشرفت نزد ملت‌ها و دولت‌ها به حدی است که بر میزان تعامل‌ها، اثرگذاری‌ها و نقش‌آفرینی در سطوح مختلف تأثیر مستقیم داشته است. تاریخ پیشرفت در میان کشورها شاید به ابتدای خلقت انسان مربوط شود، اما آنچه اهمیت دارد تفسیرها و برداشت‌های متفاوت از این مقوله است که در نهایت کشورها و ملت‌ها را در یک تقسیم‌بندی غیرمنصفانه به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته تقسیم کرده است و این بخش‌بندی مبنایی بر میزان اثرگذاری‌ها و سهم‌بری‌ها در سطح جهان اثرگذار شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از قربانیان این نوع تقسیم‌بندی است که برای ارتقا در این پازل از پیش طراحی شده مجبور بوده سالیان زیادی را صرف اجرای الگوهای غیربومی و وارداتی پیشرفت کند. در این رهگذر نه تنها ایران نتوانسته منافع ملی را آن‌طور که باید تأمین کند، بلکه هزینه‌ها و خسارت‌های زیادی را متحمل شده و علاوه بر آن نتوانسته از منافع ملت به‌خوبی صیانت کند و دستاورد مطلوبی به دست آورد. فرمان اجرای طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی، واکنشی

1. Realistic

2. Idealistic

جایگاه منافع ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

بود به نمونه‌ها و الگوهای وارداتی و غالباً غربی از پیشرفت به کشورمان. بی‌شک ابتکار مقام معظم رهبری در مطرح کردن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، حاکی از تفاوت بنیادین این الگو با الگوهای غربی و تجویزی برای پیشرفت در ایران است. آنچه الگوهای غربی پیشرفت به جوامع تزریق می‌کنند توجه صرف به منافع مادی است که نقطه ضعفی اساسی دارد؛ این الگوها توجهی به شرایط و ضرورت‌های آن جوامع ندارند و براساس شرایط کشور تولیدکننده بنا شده‌اند. در این رهگذر، کشور مصرف‌کننده مدل در درون خود با ناهمگونی‌ها و بی‌عدالتی‌هایی مواجه می‌شود که چشم‌انداز و افق آینده را برای آن کشور تیره‌وتار می‌کند، اما آنچه هدف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است توجه هم‌زمان به منافع مادی و معنوی کشور و درعین‌حال توجه به شرایط خاص کشور است؛ بنابراین این الگو تفاوت ماهوی با الگوهای تجویزی و وارداتی دارد و می‌تواند نقطه عطفی در برابر همه کشورهای بی‌عدالتی باشد که خواهان پیشرفت براساس داشته‌های خود و رهایی از وضعیت فعلی و استثمار پیشرفت هستند.

مسئله امروز ایران ما، مسئله پیشرفت است؛ پیشرفتی که بتواند منافع ملی حداکثری را با توجه به تعریف جدید از منافع با خود به ارمغان آورد؛ بنابراین نخبگان و مسئولان کشور باید الگوی پیشرفت مورد نظر جامعه ایران را تدوین و شرایط تحقق و اجرایی شدن آن را تبیین کنند و ضرورت‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را با توجه به کسب منافع (مادی، معنوی) حداکثری تبیین و تفهیم کنند و در نهایت پیاده‌سازی و اجرایی سازند، زیرا براساس آنچه بیان شد تأمین منافع ملی در این الگو متفاوت از الگوهای غربی است، زیرا هدف والای آن پیشرفت است؛ به‌طورخلاصه توجه به منافع عالی فرد و جامعه و نیز تحقق حیات طیبه برای کل بشریت است.

منافع ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از چه جایگاهی برخوردار است؟ مسئله اصلی در این پژوهش پاسخ به این پرسش است.

با بررسی و شناخت شرایط تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌عنوان پیش‌زمینه حرکت برای دستیابی به الگو می‌توان الزام‌ها و ظرفیت‌های این الگوی بومی را در کشور عملیاتی کرد و در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی کوشید تا امکان و انگیزه برای حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی در جمهوری اسلامی ایران با نگاه روشن‌تر و دقیق‌تری فراهم شود.

این تحقیق می‌تواند چشم‌انداز پیشرفت جمهوری اسلامی ایران را روشن کند و قصد و آهنگ

رسیدن به جامعه‌ای پیشرفته و متعالی را در بین نخبگان و ملت ایران بیشتر کند. این تحقیق تلاش دارد آرمان‌ها، افق‌ها و آینده مطلوب را برای اندیشمندان، قابل تحقق و دستیابی کند. این پژوهش می‌تواند مورد استفاده مراکز پژوهشی، تحقیقاتی و علمی به‌ویژه در رشته علوم سیاسی در مبحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قرار بگیرد.

2. اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق این است که با بررسی شرایط تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، امکان و انگیزه برای ادامه حرکت به سمت تمدن اسلامی¹ در ایران با نگاه روشن‌تر و دقیق‌تری انجام شود.

برای دستیابی به هدف اصلی، اهداف میانی و فرعی زیر در نظر گرفته می‌شود:

1. برای تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ابتدا الزام‌هایی که برای تحقق هر تمدنی باید محقق شود، تبیین می‌شود؛

2. در گام دوم باید الزام‌ها و شرایط تحقق الگو بررسی شود؛

3. در گام سوم، الزام‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در ایران که باید برای رقابت و کنارزدن الگوهای مستقر غرب آماده باشد و درعین حال کمبودهای الگوهای غرب که با وجود آن‌ها این تمدن دچار افول شده و باید در الگوی اسلامی ایرانی مرتفع شوند، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛

4. یافتن شرایط تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران برای زمینه‌سازی ایجاد تمدن نوین اسلامی، گام نهایی برای تحقق تمدن نوین اسلامی است.

3. پرسش‌های پژوهش

1. منافع ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چه جایگاهی دارد؟

2. سهم نخبگان در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چگونه است؟

3. مقام معظم رهبری در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چه نقشی دارد؟

4. سهم مردم و فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت چگونه است؟

1. منظور از تمدن اسلام که جمهوری اسلامی به دنبال آن است، تمدن اسلام ناب است که بر مبنای فطرت الهی شکل می‌گیرد و می‌تواند انسان را در مسیر سعادت دنیا و آخرت همراهی و یاری کند؛ نه تمدنی مانند عباسیان و امویان که در آن اساس ولایت به فراموشی سپرده شده و در بسیاری از موارد، مسیر اصلی که همانا تعالی جامعه و انسان‌هاست، از یاد رفته است.

4. پیشینه پژوهش

عظیمی و خوش‌چهره (1393) در پژوهشی به رابطه منافع ملی با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حقوق اساسی پرداخته‌اند. این مقاله با رویکردی واقع‌بینانه و درعین‌حال آرمان‌گرایانه در پی نشان‌دادن واقعیت‌ها و آرمان‌های عرصه بین‌المللی، انسان و جامعه، در پیگیری و دستیابی به منافع ملی است. اجتناب‌ناپذیری استخراج منافع ملی از قانون اساسی و انطباق ماهیت آن با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از دستاوردهای پژوهش بود.

سیاه‌پوش (1392) در اثر خود با عنوان «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» اندیشه‌ها و مبانی نظری مقام معظم رهبری پیرامون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را بدین صورت بیان نمودند که انقلاب اسلامی در حقیقت بی‌کفایتی الگوهای غربی توسعه در ایران را آشکار ساخت. حضرت امام خمینی (ره) با بیان اندیشه‌ها و مبانی مستحکم توحیدی، در مقابل اندیشه‌های غربی ایستادند و پس از ایشان مقام معظم رهبری با تاسی از اندیشه‌های حضرت امام در این مسیر قرار گرفته و بر اصول انقلابی ایستادگی کردند. پس از انقلاب مدل‌های مختلف توسعه مطرح شده است اما جامعه نمی‌توانسته منتظر یک مدل بومی و عملیاتی از توسعه بماند؛ لذا ناگزیر از حرکت بوده است.

زریباف (1392) در پژوهشی به مبانی، سیر تدوین، مدل مفهومی و الزام‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد الگو نقشه جامعی برای حرکت در مسیر تعالی است و از این‌رو بررسی ابعاد و اصول حاکم بر این حرکت از اهمیت بالایی برخوردار است. آیه 22 سوره مبارکه ملک می‌تواند مبنای مدل مفهومی برای این حرکت در نظر گرفته شود. مطابق با این آیه، حرکت از منظر اسلامی حرکتی است که بر دو رکن اساسی استوار است: شناخت مسیر حق و صراط مستقیم و قرارگرفتن در آن، یعنی حرکت متوازن و صحیح بر مسیر حق (مشی سوی). بُعد دیگر الگو مفهوم پیشرفت است. در تفکر اسلامی، پیشرفت به‌منزله «گسترش ظرفیت» و «توسعه وجود» است. در این میان «عدالت ولایی» ظرفیت لازم و کافی برای پیشبرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را دارد؛ چراکه عدالت، تنها ارزش مطلق فطری قانون‌پذیر و قابل اندازه‌گیری است.

عبدالملکی (1391) در پژوهشی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منطقه‌ای پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد ضرورتی سبب شد تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در دستور کار مدیریت ارشد نظام قرار گیرد. بی‌شک از محورهای مهم این الگو، توجه به ابعاد فضایی پیشرفت و

عدالت و ضرورت‌ها و ویژگی‌های مکانی پاره‌ها و افرازشای جغرافیایی کشور است.

واعظی (1390) در پژوهشی در دانشگاه باقرالعلوم به توصیف سهم نظریه‌پردازی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد تدوین این الگو به‌عنوان یک «کلان‌طرح تحول اجتماعی» و سنگ زیربنای تکوین و بازسازی تمدن اسلامی از طریق تولید دانش بومی و نظریه‌پردازی علمی مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی در ساحت‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی میسر است و دانش سیاسی اسلامی با همه زیرشاخه‌های آن بخشی از این رسالت و وظیفه مهم را بر عهده دارند.

هیل (2016) در پژوهشی به ارزیابی پیشرفت در کشورهای در حال توسعه در جهت اهداف توسعه کشور براساس نظرات مردم پرداخته است. نتایج نشان داد الگوهای پیشرفت در این کشورها به نیازهای مردم فقیرنشین، حاشیه‌نشین و مردمان ساکن در محله‌های با خطر ناامنی بالا، توجه نشده و نیازهای گروه اقلیتی در نظر گرفته شده است.

اسکانی و همکاران (2012) در پژوهشی به توسعه اقتصادی منطقه‌ای پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد تمرکززدایی و در نظر گرفتن ظرفیت مناطق خود و بی‌توجهی به نواحی ناهمگن، تنها به رفع نیازهای خود می‌انجامد و بر سرنوشت خود تأثیر می‌گذارد.

در آثار گفته‌شده به گوشه‌ای از الزام‌ها و ظرفیت‌های الگوی اسلامی و ایرانی و در مقابل الگوهای غربی توسعه پرداخته شده است ولی نه تنها هیچ‌کدام نتوانسته‌اند شرایط تحقق این الگو را بررسی کنند، بلکه نگاه جامعی نسبت به موضوع منافع ملی نداشته‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت وجه اشتراک این تحقیق با آثار و پیشینه‌های بررسی‌شده، پرداختن به گوشه‌ای از الزام‌ها و ظرفیت‌های تحقق الگوی اسلامی، و وجه جدایی آن با آثار بررسی‌شده این است که در این تحقیق می‌کوشیم تا حدودی جایگاه منافع ملی برای تدوین‌کنندگان الگوی اسلامی ایرانی را آشکار کنیم و الزام‌های منافع ملی را بررسی کنیم که در هیچ پژوهشی به آن‌ها اشاره نشده است.

5. مفاهیم نظری

5-1. پیشرفت

واژه پیشرفت معادل واژه توسعه در ادبیات علمی کلاسیک مرسوم است. در تعریفی عام که براساس همه بینش‌ها و منش‌ها بیان شده است، پیشرفت عبارت است از فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب (میرمعزی، 1389: 63-62).

در تعریفی که آیت‌الله جوادی‌آملی از مفهوم پیشرفت ارائه داده‌اند «پیشرفت فرایندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی است و انسان می‌تواند در این جریان به کمال برسد؛ بنابراین رشد (پیشرفت) در آموزه‌های اسلامی، جریانی پویا، مداوم و همه‌جانبه با هدف به‌کمال‌رسیدن انسان است (همان، 1393: 11).

5-2. الگو

الگو معادل کلمه مدل در زبان انگلیسی است. مدل و الگو، طرح، معرفی یا تشریحی است که برای نشان‌دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نظریه‌ای با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت که باید ایجاد شود، می‌پردازد (میرمعزی، 1389: 65-64).

5-2-1. اسلامی بودن الگو

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت الگویی است که مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چهارچوب حقوق و اخلاق اسلامی است. تفاوت در این مبانی و چهارچوب‌ها، موجب تفاوت در تبیین و تحلیل شرایط موجود و وضعیت مطلوب و راهبردها می‌شود (واعظی، 1390: 72).

5-2-2. ایرانی بودن الگو

برای اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن دو وجه متصور است:

1. اتصاف این الگو به ایرانیت از این نظر است که فکر و ابتکار ایرانی آن را به دست آورده است. اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود ولی این ملت ما بوده که توانسته است یا می‌تواند این الگو را از منابع اسلامی استخراج کند (بیانات رهبری در دیدار دانشجویان فردوسی مشهد، 86/2/25). در این صورت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت الگویی جهان‌شمول و ثابت برای جوامع اسلامی است که در برابر الگوی توسعه غرب مطرح می‌شود. این الگو از بخش اصول منابع اسلامی دریافت شده و نشان‌دهنده سیر تمدن اسلامی است. در این صورت، این الگو الهام‌بخش جهان اسلام خواهد بود و هر کشور اسلامی می‌تواند این الگو را بر شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود منطبق کند.

آیت‌الله جوادی آملی نیز در موضوع اسلامیت الگو چنین بیان می‌دارند: «الگوی اسلامی که مبتنی بر معارف و روابط حقه الهی است، نمی‌تواند اصالت و مشروعیت خود را در سطوح تحلیلی و تدوینی از تجارب و مشاهده‌های بشری اخذ نماید و قطعاً و عقلاً لازم است برای صیانت از هویت شرعی الگو، متن دین و سیره معصومین (ع) به‌عنوان منبع اصلی معرفت، منظور نظر باشد» (آملی، 1386).

2. به لحاظ اینکه توسعه اسلامی با شرایط و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران تطبیق داده شده است، ممکن است این الگو برای سایر کشورهای اسلامی مناسب نباشد. این دو وجه منافاتی با یکدیگر ندارند بلکه مکمل هم هستند. براساس وجه اول، مقصود از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت الگویی است که به وسیله فکر ایرانی از منابع استنباط شده و به شکل الگو ارائه شده است. براساس وجه دوم، به‌عنوان یک الگوی ثابت و جهان‌شمول که راهنمای جهان اسلام است نفی نمی‌شود بلکه با شرایط ایران تطبیق می‌شود (واعظی، 1390: 73).

3-5. منافع ملی

مورگنتا¹ از دانشمندان واقع‌گرای روابط بین‌الملل، ضمن مبهم و تعریف‌ناپذیر دانستن منافع ملی معتقد است، منافع ملی، راهنما و انگیزه اصلی اقدام همه کشورهای در روابط بین‌الملل است؛ زیرا همه ملت‌ها چاره‌ای جز این ندارند که موجودیت مادی، سیاسی و فرهنگی خود را در مقابل تجاوز و تعدی دیگر ملت‌ها حفظ کنند. پس باید منفعت را در قالب قدرت تعریف کرد. در این صورت منافع ملی، حفظ قدرت هر کشور در استمرار موجودیت آن تعریف می‌شود. به این ترتیب مفهوم منافع ملی به نگرش نئومارکسیستی اقتصاد نزدیک می‌شود؛ زیرا در این مکتب فرض بر این است که شرکت‌ها و مؤسسه‌های اقتصادی در پی کسب بیشترین سود هستند. با این تفسیر، در محیط رقابتی می‌توان اقدام‌های رقیب را حدس زد و پیش‌بینی کرد.

ساموئل هانتینگتون²، منافع ملی را بُعد خارجی «منافع عمومی»³ بیان می‌کند و اعتقاد دارد نمی‌توان هیچ تعریف مشخصی از آن ارائه کرد و تنها از آن با عنوان منافع واقعی و بنیادین تأسیسات حکومتی یاد کرده است. از نظر او نمی‌توان منافع ملی امریکا را بدون اطمینان از «هویت ملی»⁴ امریکایی‌ها تحلیل کرد؛ در غیر این صورت، منافع غیرملی و فراملی و قومی و نژادی بر سیاست

1. Hans Joachim Morgenthau
3. Public Interests

2. Samuel Phillips Huntington
4. National Identity

خارجی غلبه خواهد کرد. کمیسیون منافع ملی امریکا، این منافع را «منفعت حیاتی»¹ می‌نامد که به توافق کامل افکار عمومی بر توجیه پذیر بودن کاربرد یک‌جانبه زور منجر می‌شود و مهم‌ترین جلوه آن در منافع انسانی و اقتصادی است. برخی نیز ملاحظه‌های راهبردی حیاتی را که نسبت به دیگر منافع شایع‌تر است و اولویت بیشتری دارند، رکن اساسی تعریف منافع ملی دانسته‌اند. راهبردهایی که توجه‌نکردن به آن‌ها بر همه اثر عمیق می‌گذارد، اما برخی معتقدند منافع ملی در واقع اصطلاحی است برای توجیهی عقلایی از منافع گروهی خاص (کراشر²، 1978).

تعریف ماکس وبر قالب کلی تعریف هانتینگتون را دارد، ولی منافع واقعی و بنیادین را متوجه اقتصاد و جامعه می‌کند و شامل محتوای خاص اقدام‌های اجتماعی می‌شود که مشارکتی سیاسی آن را پیگیری می‌کند. به‌طور طبیعی، در این تعریف منافع ملی مفهومی نسبی می‌یابد و به تناسب اینکه دولت مقابل از دیدگاه ما چه دولتی باشد، متفاوت خواهد بود. مارکسیست‌ها آن را منافع طبقه‌ای خاص تعبیر می‌کنند، ولی لیبرال‌ها منافع ملی را به‌منزله تجمیع منافع جمعی افراد یا حفظ مجموعه‌ای از عملکردهای حکومتی دانسته‌اند که همه افراد به‌طور برابر اجازه دارند به آن‌ها دسترسی داشته باشند و درعین حال ارزیابی دقیقی از اولویت‌های آن‌ها به شمار می‌آید (نای³، 1999).

در دموکراسی، منفعت ملی مجموعه‌ای از اولویت‌های مشترک است که در روابط میان دیگر کشورها مدنظر قرار می‌گیرد. این منافع می‌توانند شامل ارزش‌هایی مانند دموکراسی و حقوق بشر باشند؛ منوط به اینکه برای افکار عمومی آن‌قدر مهم باشند که بتوان برای آن‌ها هزینه کرد. در این تعریف دو نکته اساسی وجود دارد، نخست ارزش‌ها، هرچند بسیار عالی باشند مانند حقوق بشر، زمانی مبنای منافع ملی تلقی می‌شوند که جزء اولویت‌های مشترک همه مردم قرار گیرند؛ دوم باید در نزد افکار عمومی نیز چنان مهم باشند که هزینه‌کردن برای آن‌ها توجیه‌پذیر باشد. به‌این ترتیب، صرفاً با ارزش‌بودن برای قرارگرفتن در زمره منافع ملی کافی نیست، بلکه توجه و تمایل افکار عمومی نیز لازم است. با این وصف، مبانی اخلاقی منفعت ملی از مبانی منفعت سیاست خارجی چندان فاصله نمی‌گیرد، بلکه ارزش‌های اخلاقی می‌توانند تبدیل به منافع ناملموس شوند؛ فقط نکته مهم توافق افکار عمومی بر آن‌هاست.

برخی منافع ملی را چنین تعریف کرده‌اند: «ارزش‌های مادی و معنوی که افراد یک ملت نسبت به

1. Vital Interest

2. Krasher

3. Nye

آن‌ها احساس تعلق، وابستگی و مالکیت کرده‌اند و برای حفظ و جلوگیری از تصرف آن‌ها به دست سایرین از خود حساسیت نشان داده و حاضر به پرداخت هزینه هستند» (حافظ‌نیا، 1385: 132). برخی نیز منافع ملی را اهدافی دانسته‌اند که دولت در سطح بین‌المللی برای حفظ آن‌ها می‌کوشد و امروزه در بیشتر پارادایم‌ها بر سه عامل قدرت، امنیت و ثروت استوار است و گاهی نیز به یکی از آن‌ها به تنهایی توجه می‌شود. برخی قدرت ملی و برخی ثروت ملی را هدف اصلی منافع ملی می‌دانند و آن‌ها را دو شاخص مهم برای ارزیابی سیاست خارجی کشورها برمی‌شمارند (فینمور¹، 1996).

6. روش پژوهش

روش انجام این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی (زمینه‌یابی) است. روش زمینه‌یابی برای بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه آماری به کار می‌رود. در این پژوهش از روش دلفی که یکی از انواع تحقیق‌های زمینه‌یابی است، استفاده شده است. در این روش با شناسایی صاحب‌نظران و متخصصان تلاش می‌شود نظر آنان پیرامون موضوع جمع‌آوری شود. در این روش پژوهشگر با تهیه فرمی، پرسش‌های مورد نظر را برای صاحب‌نظران ارسال می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد به در یک بازه زمانی به آن‌ها پاسخ دهند. متن پرسش‌نامه‌ای که بر اساس روش دلفی برای تحقیق حاضر انتخاب شده است، بدین شرح است:

1. به نظر شما در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت رویکردها نسبت به منافع ملی چگونه است؟
2. نخبگان فکری چگونه می‌توانند به ایفای نقش در این زمینه (منافع ملی) و در راستای الگو بپردازند؟

3. به نظر شما تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیازمند چه شرایطی است؟
پس از دریافت پاسخ‌های پژوهشگر آن‌ها را دسته‌بندی کردیم و فهرست دسته‌بندی شده پیشنهادها را برای صاحب‌نظران ارسال کردیم. سپس پیشنهادها مطرح شده را تقارن‌گیری کرده و در نهایت پیشنهادهای برتر انتخاب شدند. برتری این روش این است که افراد در هنگام ارائه پیشنهاد، تحت تأثیر عقاید یکدیگر قرار نمی‌گیرند، تأثیر جمع را احساس نمی‌کنند و آزادانه نظر خود را ابراز می‌کنند. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته است. جامعه آماری این پژوهش شامل

1. Finnemore

کلیه متخصصان در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اساتید دانشگاه بودند که به شیوه نمونه گیری هدفمند تعداد 22 نفر از بین آنها انتخاب و مصاحبه از آنان صورت گرفت. از میان مصاحبه‌شوندگان 12 نفر رشته علوم سیاسی، 3 نفر فلسفه، 2 نفر تاریخ، 1 نفر مدیریت استراتژیک، 1 نفر مبانی نظری اسلام، 1 نفر علوم اقتصادی، 1 نفر ژنتیک و 1 نفر با تحصیلات عالی حوزوی حضور داشتند.

7. یافته‌های پژوهش

7-1. نقش منافع ملی در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در منافع ملی دو عنصر اصول ملی یعنی آنچه در قانون اساسی آمده است و اهداف ملی دو پایه اصلی محسوب می‌شوند (ره‌پیک، 1380: 83). اصول ملی یعنی اصولی که بر مبانی انسان‌شناختی و هستی‌شناختی مبتنی‌اند و قانون اساسی آنها را در اصول دوم و پنجاه و ششم آورده است. اهداف ملی نیز در راستای ارزش‌های بنیادین جمهوری اسلامی که حرکت به سوی کمال همه انسان‌هاست، تحلیل می‌شود. اصل 154 تصریح می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند». از این رو، در سیاست‌های کلی مصوب 1376/10/13 مجمع تشخیص مصلحت نظام در بند مربوط به سیاست خارجی، صدور انقلاب یکی از اولویت‌های جمهوری اسلامی دانسته شده است؛ زیرا هدف از انقلاب اسلامی نیز هدایت انسان‌ها به سوی کمال الهی است؛ در نتیجه توجه به مصلحت انقلاب اسلامی از ابعاد منافع ملی تلقی می‌شود (سخنرانی رهبری، 1370). مقصود از مصلحت در اینجا عین منافع ملی است. در این صورت بخش بزرگی از اهداف منافع ملی، مواردی هستند که در اصل سوم قانون اساسی بیان شده‌اند؛ بنابراین باید این نگرش به منافع ملی در همه ابعاد مطالعه و تجزیه و تحلیل شود و شاخص‌های آن به دقت استخراج شود تا در قالبی کاربردی سرمشق دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی قرار گیرد و با تغییر دولت‌ها دچار تحول اساسی نشود. ویژگی‌های اساسی منافع ملی در الگوی اسلامی ایرانی عبارتند از: اتکا به اصول اخلاقی در راستای حاکمیت الهی، توجه به سعادت مادی و معنوی انسان در قرائت اسلام و رهایی او، نگرش واقع‌بینانه، تفکیک‌ناپذیری منافع ملی از مصالح اسلام، تعارض میان اصول، مبانی منافع ملی با مبانی و اصول و جهت حرکت ساختار سیاسی حاکم بر روابط بین‌الملل (در عین وجود برخی اشتراک‌ها در ساختارهای حقوقی).

7-2. جایگاه نخبگان در توسعه و نظر رهبر انقلاب پیرامون جایگاه نخبگان

نیل به موفقیت در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان یک طرح ملی که بعد از قانون اساسی والاترین سند راهنمای حرکت نظام است، نیازمند مشارکت همه آحاد جامعه به ویژه نخبگان است. امروزه با تأکید بر ارزش‌های انسان‌گرایانه و خلاقیت گروهی، مشارکت را نیاز بشر و راهکار اصلی توسعه دانسته‌اند، زیرا توسعه به معنای ایجاد تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایش‌ها و نهادها برای تحقق کامل هدف‌های جامعه است و تا همه مردم با آگاهی همگانی از تغییرات و ضرورت مطابقت با آن، در آن مشارکت اصیل نداشته باشند، ادامه توسعه ممکن نخواهد بود. مشارکت جزء اساسی و جدانشدنی توسعه به شمار می‌آید که با استفاده از کمک داوطلبانه اجتماعی و بهره‌گیری از منابع داخلی، در راستای تحقق توسعه و کاهش هزینه‌های آن مؤثر است. همچنین مشارکت اجتماعی با سازمان‌دهی گروه‌ها، سرمایه اجتماعی جامعه را گسترش می‌دهد و آن را توانمند می‌سازد. سرانجام مشارکت، سازوکاری است تا گروه‌های فرعی و حاشیه ایفای نقش و تأثیرگذاری بیشتری در متن و جریان‌های اصلی حیات اجتماعی خود داشته باشند.

نخبگان به افرادی برجسته و کارآمد گفته می‌شود که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چهارچوب ارزش‌های اسلامی اثرگذاری بارز داشته باشند و همچنین فعالیت‌های آن‌ها بر پایه هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی از سوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شوند (یونز، 1383: 12).

نخبگان هر جامعه‌ای در پیشرفت و توسعه آن کشور نقش مؤثری ایفا می‌کنند. یکی از مسائل و مشکلات کشورهای اسلامی از جمله ایران که تأثیر فزاینده‌ای بر رشد و توسعه همه‌جانبه کشور دارد، مربوط به تولید علم، نظریه‌پردازی و جنبه‌های نرم‌افزاری توسعه کشور است که در ارتباط مستقیمی با نقش نخبگان قرار دارد؛ از این رو برای طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید از تمام ظرفیت کارشناسی و علمی حوزوی و دانشگاهی بهره گرفت و تعامل مثبتی بین حوزه و دانشگاه برقرار کرد. در این بین، قوای سه‌گانه به ویژه قوه مجریه باید زمینه‌ساز شکل‌گیری این مهم باشند.

دستیابی به جلب مشارکت نخبگان برای همکاری در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یک تصمیم اجرایی صرف نیست؛ بلکه برای دستیابی به چنین الگویی باید زمینه‌های لازم آن فراهم و رعایت شود. جلب مشارکت نخبگان در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در بدو امر، نیازمند

برنامه‌ریزی جامع و تدبیراندیشی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بوده و این مهم به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های اصلی تحقق مشارکت، بر عهده مسئولان مرکز الگو است. اصلاح ادراک و نگرش نخبگان نسبت به دو موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مشارکت نکته مهمی است که با دستیابی به آن، انگیزه مشارکت در نخبگان بالا خواهد رفت. در این میان، نیاز به هماهنگی و همسویی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه به‌شدت احساس می‌شود؛ چراکه کانون شکل‌گیری نخبگان هستند و گزینش راهبردهای صحیح در سطح دانشگاه و حوزه، نخبگان را به فضای اجرایی جامعه سوق خواهد داد. ازدیگرسو، حاکمیت و دستگاه‌های اجرایی نیز با پذیرش نخبگان در بدنه خود مقدمات فعلیت‌یافتن تخصص آنان و افزایش تجربه نخبگانی را فراهم می‌آورند.

در کنار عوامل گفته‌شده، باید زمینه‌های مشارکت در بطن و متن زندگی آحاد افراد جامعه و از جمله نخبگان فراهم شود. این مسئله نیازمند تقویت فرهنگ مشوق مشارکت در جامعه و اصلاح رفتار سیاسی - اجتماعی در سطح ملی، اصلاح ادراک و نگرش نخبگان، اتخاذ قوانین در راستای حمایت از مشارکت و بالابردن انگیزه مشارکت است؛ قوانینی که به نخبگان اطمینان بدهد تلاش آن‌ها به ثمر خواهد نشست و مابه‌ازای آن را نیز دریافت خواهند کرد. در نتیجه این اقدامات، شخصیت نخبه برای مشارکت با مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت آماده خواهد شد و مرکز می‌تواند با به‌کارگیری سازوکار مناسب از مشارکت نخبگان برای تدوین الگوی پیشرفت بهره‌گیرد. استفاده از نیروی نخبگان نیازمند این است که قوانین لازم در راستای اهداف مرکز الگو و جهت حمایت از نخبگانی که با آن همکاری دارند، وضع شود. توجه ویژه به موضوع حقوق مالکیت می‌تواند منجر به جلب اعتماد نخبگان شده و فرهنگ‌سازی در جامعه به‌منظور افزایش تمایل به مشارکت و انجام کار جمعی صورت پذیرد (حسینی و همکاران، 1394: 43).

از آغاز پیروزی انقلاب خلاً بزرگی در استراتژی اساسی نظام یا به تعبیری الگوی جامع نظام احساس می‌شد. دولت‌های مختلفی که آمدند برخی دولت‌سالاری را دنبال کردند، برخی دولت را کوچک خواستند، برخی به لیبرالیسم اقتصادی و بعضی کمابیش به توتالیتریسم (تمرکزگرایی دولتی) گرایش پیدا کردند. این نشان می‌داد که نظام ما الگوی جامعی در مسائل اقتصادی، فرهنگی و غیره ندارد. تدوین الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی در واقع می‌خواهد این خلاً را پر کند.

آنچه از نقطه‌نظر مقام معظم رهبری، زمان حاضر را برای تدوین این الگو برمی‌گزیند این است که

ظرفیت علمی کشور پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی به جایی رسیده است که از نخبگان این مرزوبوم انتظار تدوین چنین الگوی جامعی را داشته باشند. شاید اگر قرار بود این مسئله در دهه‌های قبلی رخ دهد، ظرفیتی که اکنون فراهم است مهیا نبود؛ به‌ویژه پس از پیشرفت‌های علمی که در برخی فناوری‌های نو پدید آمده و ارتقای رتبه ایران از نظر داشتن مقاله‌های علمی در رتبه‌بندی ISI بسیار شتاب گرفته است. این نشان می‌دهد توانمندی و زمینه لازم برای تدوین چنین الگویی مهیا شده است. بدون شک چنین حرکتی در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست و دستیابی به چنین الگویی نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت است تا قدم‌به‌قدم به سوی آن حرکت شود.

آنچه به‌صورت نهایی مد نظر است، نیازمند برنامه‌ریزی علمی ده‌ساله است و اقتضا می‌کند نشست‌های مختلف علمی در عرصه‌های گوناگون پدید آید، اجزای این الگو از ناحیه فرهیختگان به‌صورت کار فردی و جمعی مدون شود تا در نهایت، ستاد مرکزی، این مجموعه محصول افکار و اندیشه‌ها را برای تدوین الگوی جامع جمع‌آوری، سامان‌دهی و یکپارچه‌سازی کند. در مورد ویژگی‌های الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی باید گفت این الگو متناسب با جغرافیا، تاریخ و اوضاع و احوال اجتماعی ایران تدوین خواهد شد؛ بنابراین فرض مسئله این است که به تعبیر من، مرکز مطالعات تدوین الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی راه‌اندازی خواهد شد و این مرکز مجموعه مراکزی را در بر خواهد گرفت که کار علمی می‌کنند و شخصیت‌های علمی را که از ظرفیت‌های علمی مناسبی برخوردارند، شناسایی و کارهای آن‌ها را جمع‌آوری می‌کند (رهبر انقلاب اسلامی، 1388). اگر هم تاکنون کاری انجام شده است، آن‌ها را گردآوری می‌کنند و برای اقدامات بعد از این تقسیم کار خواهند کرد. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی کارهای موازی بلامانع است؛ چراکه افراد می‌توانند از منظرهای مختلف این الگو را ببینند و مکمل باشند. معنای کارهای موازی این نیست که این کارها لزوماً تکراری باشد بلکه می‌تواند اقداماتی تکمیلی باشد. بی‌شک این سند هم پس از تهیه و تدوین، سندی بالادستی حتی برای سند چشم‌انداز بیست‌ساله خواهد بود و اسناد چشم‌انداز در قالب این الگو تعریف خواهند شد (مقام معظم رهبری، 1386).

3-7. جایگاه مردم و فرهنگ‌سازی در توسعه و نظر رهبر انقلاب پیرامون جایگاه مردم در پیشرفت

وقتی بحث از الگوی پیشرفت یک کشور مطرح می‌شود، پردازش آن باید از جهت‌های مختلفی صورت بگیرد. از یک سو محور این الگو فرهنگ آن ملت و اهداف فرهنگی آن است و از سوی دیگر

ضرورت‌های فرهنگی برآمده از ویژگی‌های جغرافیایی، تعامل‌های جهانی، معادله‌های بین‌المللی و همچنین سطح پیشرفت آن کشور باید مد نظر قرار گیرد. در ایران با توجه به آرمان‌های برخاسته از اسلام و انقلاب، اهداف فرهنگی از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند و باید تمام طرح‌های اقتصادی، سیاسی و غیره در خدمت اهداف فرهنگی قرار گیرند. وقتی این طرح‌ها با دین نیز تطابق می‌یابد، الگویی اسلامی ایرانی پیش روی‌مان قرار می‌گیرد.

درعین‌حال وقتی در جامعه‌ای دموکراسی به معنای واقعی آن جاری است، باید الگوی پیشرفت آن به ترتیبی باشد که مردم به‌عنوان رکن اصلی، بیشتر تصمیمات‌شان را که اغلب در جهت پاسخ‌گویی به نیازهایشان است، در جهت اهداف کلی جامعه برگزینند و دیگر جایی برای تمهیداتی مانند لحاظ کردن تشویق‌های مادی باقی نماند (عمار، 1391: 126).

تدوین یک الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی مستلزم فرهنگ‌سازی مستمر است و مدیران نیز نقش برجسته‌ای در این زمینه دارند؛ بدین صورت که همه تصمیم‌گیری‌های خود را در این راستا و با مد نظر قراردادن فرهنگ جامعه برگزینند. رشد سرعت زمانی محقق می‌شود که افراد در هر موقعیت اجتماعی، در جهت توسعه جامعه قدم بردارند (مقام معظم رهبری، 1388).

این الگو با پیوند سه گروه طراحی می‌شود: یک بخش خبرگان و نخبگان حوزه مطالعات اسلامی هستند، یک بخش اساتید عرصه بهره‌گیری از علوم بشری در سازندگی هستند که در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و غیره تجارب بشر را ارزیابی می‌کنند و مورد استفاده قرار می‌دهند و در نهایت برای ظهور و عملی شدن این نظریه‌ها، باید مردم نیز همکاری داشته باشند تا در کنار بخش‌های مذکور یک حلقه ایجاد شود و زمینه مورد بحث واقع شدن این موضوع در تمام حوزه‌ها فراهم شود.

اساتید اقتصاد باید الگو را با ارائه نقطه‌نظرات‌شان توسعه داده، تکمیل سازند و به همین منوال که اکثریت نخبگان دست به کار تدوین الگو می‌شوند، پذیرش آن نیز در جامعه شکل بگیرد، چراکه یکی از مهم‌ترین دلایلی که نمی‌توان از این گونه طرح‌ها نتیجه لازم را گرفت این است که به غیر از کارشناسان و اساتید که سال‌ها تدوین طرح می‌کنند، سایر آحاد جامعه آن‌گونه که باید درگیر آن نشده و در آن مشارکت ندارند؛ بنابراین باید در همان مرحله تدوین و طراحی، کلیه آحاد جامعه در جریان امر قرار گرفته و دخیل باشند، رفت‌وبرگشت سازمان‌یافته در همه پژوهشکده‌ها، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها بنا بر حوزه فعالیت‌شان شکل بگیرد و نوعی همگرایی نیز به وجود آید. این همگرایی از

ملزومات رسیدن به الگوی معتبر است چراکه برای مثال برنامه‌ریزان حوزه اقتصاد باید در جریان تحولات فرهنگی - اجتماعی نیز قرار گیرند و گرنه نظریه‌های اقتصادی آن‌ها نمی‌تواند جایگاه لازم را در فرهنگ بیابد و برعکس. صاحب‌نظران فرهنگی و اجتماعی نیز باید در تعامل با اساتید سایر حوزه‌ها قرار گیرند و بخش‌های مجزا از یکدیگر مسائل را تعریف نکنند (مقام معظم رهبری، 1388). این خلأیی است که در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه نیز می‌بینیم و مشاهده می‌شود که در بخش‌هایی عقب‌افتادگی و در بخش‌هایی رشد بیش از انتظار حاصل شده است، درحالی‌که برنامه برای ایجاد هماهنگی در فعالیت‌هاست و بخش‌ها باید متناسب با یکدیگر رشد را تجربه کنند.

پشت تمدن‌های بزرگ تاریخی یک دین نهفته است؛ مکتبی که نتواند فرهنگ‌ساز باشد نمی‌تواند فرهنگ را به تمدن تبدیل کند و کالبد عینی و فیزیکی به آن بدهد. فرهنگ اسلامی در دوره‌های مختلف تبدیل به تمدن شده است. فرایند تبدیل ایدئولوژی به فرهنگ، در دهه نخست انقلاب شکل گرفت در آن فضا که دین می‌تواند در عرصه فرهنگی و اجتماعی نهادسازی کند و به فرهنگ منجر شود، رخ داد، اما این تبدیل کامل نیست. انقلاب اسلامی زمانی می‌تواند هویت‌سازی کند که تعریف جدیدی از هویت اسلامی ارائه دهد و فرهنگ را تبدیل به تمدن کند. هدف انقلاب اسلامی از استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی در تفکر امام (ره) ایجاد تمدنی نوین است؛ تمدنی بر پایه ارزش‌های انسانی - دینی که بتواند در برابر هویت سکولار تمدن غرب ایستادگی کند. ما در یک نقطه عطف تاریخی هستیم و ذهنیت نخبگان باید متوجه ایجاد یک تمدن شود؛ تمدنی که نقطه آغاز نظریه‌ها و دانش‌هاست. تولید نظریه و دانش نیازمند خیزش جدید است و حوزه و دانشگاه رسالت دارند که این خیزش اتفاق بیافتد. این خیزش و جنبش نباید در کلیه نخبگان و اساتید باقی بماند بلکه باید در سطح بدنه حوزه و دانشگاه مطرح شود و این امر زمانی رخ می‌دهد که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، اندیشه‌ورزی عادت نخبگان شود. بخشی از وظایف مدیریت فرهنگی در حوزه و دانشگاه برنامه‌ریزی برای تولید دانش و اندیشه است. دانش‌های تمدن‌ساز دارای سه لایه عمده هستند: لایه نخست و رویی‌ترین لایه، گزاره‌های علمی هستند. در لایه دوم، نظریه‌ها قرار دارند و لایه سوم چهارچوب‌ها و پارادایم‌ها هستند. وضعیت فرهنگی و تولید دانش در جامعه ایران محدود به گردش در حوزه گزاره‌هاست. در حوزه و دانشگاه علوم انسانی از ساخت گزاره‌ها به ساخت نظریه‌ها نفوذ کرده است. تولید نظریه در یک فضای آزاد و گفت‌وگوی فعال میان صاحبان

تخصص‌ها امکان‌پذیر است. نظریه‌ها باید قابلیت سازگاری درونی داشته باشند و آرمان آن بر بنیادهایی بنا شده باشد که امکان تفاهم عقلایی ایجاد کند و با فرهنگ و آرمان‌های جامعه نسبت و ارتباط داشته باشد. بر این اساس، نخبگان دانشگاه و حوزه علمیه باید با تأملی نوین و رویکردی تازه به تولید اندیشه پردازند تا سطح تولید اندیشه باب شود. گام بعدی این است که نشان دهیم این الگو کارآمد است (نجفی علمی، 1381: 72).

به‌هرروی توجه به مردم و اصول حاکم بر مردم در نقشه جامع پیشرفت لازم است. این اصول به‌صورت زیر است: در منطق اسلامی، قدرت، عزت، آبرو، خوش‌نامی و امکانات، فقط و فقط برای خدمت به مردم و حرکت دادن خود و جامعه و کشور در راه نظام مقدس اسلامی و رسیدن به آرمان‌های بلندی است که انسان‌ها نیازمند آن هستند (مقام معظم رهبری، 1380).

مردم‌سالاری در نظام اسلامی، مردم‌سالاری دینی است؛ یعنی به نظر اسلام متکی است و فقط یک قرارداد عرفی نیست. مراجعه به رأی و اراده و خواست مردم، در جایی که این مراجعه لازم است، نظر اسلام است؛ لذا تعهد اسلامی به وجود می‌آورد (مقام معظم رهبری، 1381). بر پایه این اصل، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل، بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت که شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض بالمعروف و ینهون عن المنکر».

8. بحث و نتیجه‌گیری

آنچه از پردازش داده‌ها پیرامون جایگاه منافع ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برمی‌آید، به ماهیت انقلاب اسلامی باز می‌گردد که در بطن خود تحول و تعالی جامعه و افراد (منافع مادی و معنوی، عینی و ذهنی) را در نظر دارد، اما لازمه رسیدن به این تحول و تعالی، داشتن الگوی بومی و اسلامی در حوزه‌ها و ساحات مختلف زندگی اجتماعی و فردی انسان‌هاست. منافع ملی اساس شکل‌گیری و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است و نادیده گرفتن منافع ملی حاکی از نداشتن مدل یا الگوی

صحیح و منطقی است؛ از این رو لازم است نخبگان جامعه پیش از هر اقدام، تصویر روشنی از منافع و مصالح ملت ارائه دهند که در بطن خود منافع جهان اسلام و کل بشریت را متبلور سازد.

هدف این پژوهش، استفاده از نظرات متخصصان و صاحب نظران در حوزه علوم انسانی پیرامون شرایط تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بوده است که به صورت یک مطالعه کیفی و براساس رویکرد تحلیل محتوا و از طریق مصاحبه عمیق با صاحب نظران انجام پذیرفت و 22 نفر تا رسیدن به حد اشباع اطلاعات در این پژوهش شرکت کردند. با توجه به اظهارات و مفاهیم استخراج شده در جداول و اهمیت و جایگاه منافع ملی در تحقق الگوی اسلامی می توان گفت منافع ملی در موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت علت فاعلی است زیرا سبب و منبع اولیه و جهت حرکت به سمت الگوی اسلامی ایرانی و پایه پیشرفت گرایی است؛ از سویی علت غایی است به جهت آنکه فرجام و نهایت الگو به منافع ملی ختم می شود که در سخنان شرکت کنندگان نیز به آن اشاره شده است.

در مورد سهم نخبگان در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نتایج جداول مربوط به آن، باید گفت که پروژه پیشرفت بسیار پیچیده و چندضلعی است و جوانب و ابعاد فراوانی را در خود جای داده است که باید در حوزه نظر و عمل، تمامی امکان های متنوع و متکثر آن شناسایی و فهمیده شوند. آنچه مسلم است در همه امکان ها این نخبگان هستند که پروژه پیشرفت را سامان می دهند، اما این به معنای آن نیست که آنان تمام آنچه ما در پیشرفت لازم داریم، هستند بلکه یکی از عوامل مهم در کنار عوامل دیگر از جمله نیروی انسانی فعال هستند که به این مقوله از زاویه کاملاً تخصصی می پردازند. حقیقت امر آن است که برای حل مشکلات در ساحات مختلف زندگی انسان، نیازمند طرح های نظری هستیم و بدون توجه به نظریه ها و بسته های نظری بسیاری از مشکلات حل نخواهد شد، زیرا نظریه ها مشکلات اجتماعی را ریشه یابی کرده و در نهایت راهکاری برای حل آنان ارائه می دهند و از اینجا اهمیت حضور نخبگان ملموس تر می شود؛ از این رو الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیازمند جهد و تلاش نخبگان فکری و ابزاری جامعه است، زیرا تئوری پیشرفت و حرکت در جمهوری اسلامی براساس الگوهای بومی و اسلامی تعریف شده است. متأسفانه با رشد شبهه ها و ناکارآمدی الگوهای وارداتی، خلأ این موضوع بیش از گذشته احساس می شود.

در حقیقت الگو بدون نخبگان معنی واقعی خودش را از دست می دهد زیرا برگرفته از یک نقشه راه است و تهیه این نقشه راه منوط به نخبگان جامعه است؛ وگرنه الگو تبدیل به سرگرمی و

مجادله‌ای لفاظانه بین قشرهای جامعه می‌شود. هر کشوری بر بنیاد نخبگی خود می‌چرخد و نظام نخبگی در شکل‌گیری و تحقق الگو، نقش انکارناپذیری دارد. امروزه خواست عمومی، در جوامع جریان‌ساز است و می‌تواند فضای گفتمانی ایجاد کند اما این فضای گفتمانی اگر نتواند با نخبگان پیوند بخورد، در سطح باقی می‌ماند و پس از مدتی از بین می‌رود اما این نخبگان هستند که می‌توانند فضای گفتمانی را در عمق گسترش دهند و ریشه‌دار کنند. اصولاً حرکت‌های اجتماعی از آن جهت موفق شدند که هم‌زمان در سطح (عموم مردم) و عمق (نخبگان) گسترش پیدا کردند و این گسترش در عمق بود که حرکت‌هایی مانند انقلاب اسلامی را ماندگار کرد؛ بنابراین نخبگان سهم قابل‌توجهی در تدوین و پیاده‌سازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دارند.

فرمایشات مقام معظم رهبری در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را باید از دو زاویه نگریست: (1) به‌عنوان راهبردهای انسجام‌بخش مدیریتی در جامعه و کل نظام که باید از فرامین رهبر انقلاب پیروی شود؛ (2) به‌عنوان ایده و نظر که باید مورد گفت‌وگو و مطالعه و نقد توسط نخبگان فکری جامعه قرار گیرد تا ابعاد مختلف و زوایای پنهان آن موضوعات آشکار شود. در سطح نخست ضرورت‌های کار نظام‌مند و بوروکراتیک مدنظر است اما در سطح دوم الزام‌های کار مطالعاتی و پژوهشی که باید دقت گردد این دو موضوع در هم تنیده نشوند. مقام معظم رهبری موضوعات اجتماعی را در قالب مسائلی مبتنی بر آموزهای اسلامی و دینی بیان و مباحث اندیشه اسلامی را به‌صورت قواعد اجتماعی بازگو می‌کنند.

آنچه مسلم است در موضوع الگو یک تقسیم کار وجود دارد و آن این است که تدوین‌کنندگان باید در کلیات، اندیشه‌های حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری را نصب‌العین قرار داده و در جزئیات به متخصصان و صاحب‌نظران در ساحات مختلف الگو مراجعه کنند. نکته مهم آن است که نخبگان و تدوین‌کنندگان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید در چهارچوب انقلاب اسلامی و مبانی اندیشه اسلامی، تفکر کرده باشند که این موضوع درون خود مبحث تازه‌ای را با عنوان تربیت نخبگان مطرح می‌کند. رهبر انقلاب به‌عنوان متخصصی باتجربه در شناخت جامعه و مجتهدی فقیه در حوزه دین، نقاط عطف و تمایز ما با غرب را از حیث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و غایت‌شناسی به‌خوبی مطرح می‌کنند که در موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اهمیت دارد و الگوپردازان باید براساس این مقیاس به تدوین الگو بپردازند. رهبر انقلاب به‌عنوان سیاست‌گذار کلان در نظام، راهبری کلان را برعهده دارند و در موضوع الگو حمایت فکری، نظری، گفتمانی انجام می‌دهند تا

الگو شکل بگیرد و پس از شکل‌گیری نیز نظارت بر آن را بر عهده دارند تا به نتیجه مطلوب برسد. در مورد سهم منافع ملی در تحقق الگو باید گفت که این امر به ماهیت انقلاب اسلامی باز می‌گردد که در بطن خود تحول و تعالی جامعه و افراد (منافع مادی و معنوی، عینی و ذهنی) را در نظر دارد، اما لازمه رسیدن به این تحول و تعالی، داشتن الگوی بومی و اسلامی در حوزه‌ها و ساحات مختلف زندگی اجتماعی و فردی انسان‌هاست. آنچه مسلم است بنیان‌نگرش الگویی در تأمین منافع ملی وجود نداشته است و به همین خاطر منافع ما در حوزه‌های مختلف، کوتاه‌وضعیت مانده است. باید توجه داشت هر آنچه جزء ارزش‌ها و مطلوبیت‌های یک جامعه است، منافع ملی آن جامعه به شمار می‌آید که باید در جهت رسیدن و تأمین آن‌ها تلاش کرده و الگوهای مطلوب برای تأمین آن منافع را استخراج و عملیاتی کرد. در موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، منافع ملی هم علت فاعلی است زیرا سبب و منبع اولیه و جهت حرکت به سمت الگوی اسلامی ایرانی و پایه پیشرفت‌گرایی است، و هم علت غایی است به جهت آنکه فرجام و نهایت الگو به منافع ملی ختم می‌شود. نخبگان جامعه باید پیش از هر اقدام، تصویر روشنی از منافع و مصالح، ارزش‌ها و مطلوبیت‌های ملت ایران ارائه دهند که در بطن خود بتواند ضمن تأمین منافع ملی، منافع جهان اسلام و منافع کل بشریت را متبلور سازد، زیرا براساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که مبتنی بر آموزه‌های دینی و اسلامی است، این امر پذیرفتنی نیست که حاکمان تصمیمی بگیرند که مغایر با منافع جهان اسلام یا منافع بشریت باشد.

درباره سهم مردم و فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌توان بیان کرد که الگو در مرحله تدوین، پیاده‌سازی و اجرا برای مردم و با حضور فعال مردم معنا می‌یابد. مردم هم علت فاعلی هستند و هم علت غایی و از دل مردم توسعه می‌جوشد. بخشی از مسئولیت الگو در مطالبه‌گری و پیاده‌سازی، مستقیم بر عهده مردم است. آنچه مسلم است این است که ارزش قواعد اجتماعی به پاسخی است که به نیازهای مردم می‌دهند و مردم به فراخور پاسخی که از قواعد اجتماعی دریافت می‌کنند، از آن قواعد استقبال می‌کنند؛ از این‌رو حضور مردم در موضوعاتی مانند الگو، صرف حضور نیست بلکه حضور و مشارکت مردم یک مشارکت مباشر است که نشان از مسئولیت و اهمیت نقش مردم دارد و با پشتیبانی و حمایت مردم الگو محقق می‌شود. پیشرفت و تعالی از اصول ذاتی هر انسانی است و این امر می‌تواند یکی از نقاط قوت تحقق الگو باشد زیرا مردم برای رسیدن به این خواسته در صحنه حضور دارند؛ فقط آنچه نیاز است هنر نخبگان فکری و اجرایی در کشف، تدوین و پیاده‌سازی الگوست.

فهرست منابع

قرآن کریم

بیانات رهبر انقلاب (1386)، «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، مندرج

در: *khamenei.ir*.

بیانات رهبر انقلاب (1396)، «بیانات مقام معظم رهبری در مسئولان نظام»، مندرج در: *khamenei.ir*

جوادی آملی، عبدالله (1386)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: اسراء.

حافظنیا، محمدرضا (1385)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی.

حسینی، احمد؛ عباسی، رسول؛ رضایی، رؤیا (1394)، «شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در تدوین

الگوی اسلامی ایرانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره 67، صص 25-45.

رهپیک، حسن (1380)، «جایگاه منافع ملی در سیستم حقوقی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره 12-

11، تابستان، صص 71-88.

روحانی، حسن (1385)، «ثروت ملی یا قدرت ملی، اولویت با کدام است؟»، نشریه راهبرد (مرکز تحقیقات

استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام)، شماره 35، فروردین، صص 7-18.

زریباف، مهدی (1392)، «مبانی، سیر تدوین، مدل مفهومی و الزامات تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»،

مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره 10، صص 127-158.

سیاهپوش، امیر (1392)، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ناشر: مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی.

عبدالملکی، حجت‌الله (1391)، «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت منطقه‌ای؛ مقدمه‌ای بر مفهوم، فرایند و

چهارچوب برنامه‌ریزی»، مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره 8، صص 21-52.

عظیمی، علی؛ خوش‌چهره، محمد (1391)، «منافع ملی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر حقوق

اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره 8: 35-60.

عمار، محمد اسماعیل (1391)، «رابطه استقلال و پیشرفت سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی»، مجله معرفت،

شماره 72، صص 117-136.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

کریتین جی، استربرگ (1384)، روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، ترجمه احمد پوراحمد و علی شماعی، یزد: دانشگاه یزد.

نجفی علمی، کاظم (1381)، «نقش اقتصادی بررسی اقتصادی ایران در 24 سال گذشته»، پژوهش حقوق اسلامی، شماره 8، صص 62-77.

واعظی، محمدتقی (1390)، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.

واعظی، احمد (1390)، «سهم نظریه‌پردازی سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مجله علوم سیاسی، سال چهارم، شماره 55، صص 7-22.

میرمعزی، حسین (1389)، نظام اقتصادی اسلام، تهران: کانون اندیشه جوان.

Ascani, A., Crescenzi, R & Iammarin, S. (2012), *Regional Economic Development: A Review*, This research was supported by the Project Sharing Knowledge Assets: InteRregionally Cohesive Neighborhoods (SEARCH) within the 7th European.

Finnemore, Martha (1996), *Interest in International Society*, New York, Cornell University.

Hill, S. (2016), "Missing Millions and Measuring Development Progress", *World Development*, Vol. 46: 30-44.

Krasher, Stephan, D. (1978), *Defending the National Interest: Raw Materials Investments and U.S Foreign Policy*, New York, Princeton University press.

Nye, Josef (1999), "Redefining the National Interest", *Foreign Affairs*, July-Augus, 78, No. 4

ریکویزی

رسد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
استادان و محققان

ایرانی